

معنویت مسیحی

بخش نخست

حجة الاسلام و المسلمین حبیب‌رضا ارزانی^۱

چکیده

یکی از نیازهای اساسی انسان در دوران‌های مختلف، نیاز به معنویت بوده و هست. از این رو، غالب ادیان، مکاتب، مذاهب و تمدن‌ها، غیر از توجه به نیازهای مادی، به نیازهای معنوی نیز توجه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که اگر نظامی این مهم را، آنچنان که شایسته و بایسته است، ارج نهد، از پایایی و پویایی آن نیز کاسته خواهد شد.

معنویت، از جمله واژگان پر کاربردی است که اندیشمندان عصر جدید، به توضیح و تبیین آن همت گمارده‌اند و هر یک در تعریف آن بیانی متمایز از دیگران دارند. از دیگر سو، عده‌ای از اندیشمندان درصدد یافتن معنویت، در درون دین‌های تاریخی و سنتی هستند و گروه دیگر به مقوله‌ی معنویت، به عنوان مسأله‌ای فرادینی نظر می‌کنند.

مقاله‌ی حاضر قصد آن دارد که به مقوله‌ی معنویت از منظر درون دینی و به طور خاص از دیدگاه مسیحیت بپردازد. اندیشمندان مسیحی

۱- عضو هیأت علمی و مدیر گروه ادیان معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان.

نیز هر یک از زاویه‌ای به مسأله پرداخته‌اند و در قالب نظام‌های الهیاتی متعدّد، مسأله‌ی معنویّت را مورد دقّت و بررسی قرار داده‌اند. نظام‌های الهیاتی چون: الهیات سیستماتیک^۱، الهیات تاریخی^۲، الهیات دفاعی^۳، الهیات کاربردی^۴ و الهیات انجیلی^۵، نظام‌های الهیاتی رایجی هستند که در هر یک از آنها، تعریفی متمایز و راهکاری ویژه برای رسیدن به معنویّت پیشنهاد شده است.

نوشته‌ی حاضر تلاش دارد از منظر الهیات انجیلی به معنویّت مسیحی، نظر افکنده و با بررسی کتاب مقدّس، آن را تبیین و نقد نماید.

معنویّت مسیحی مبتنی بر کتاب مقدّس را از دو منظر کاملاً متمایز می‌توان جستجو کرد: نگاه مقدماتی عمومی و نگاه الهیاتی. در بخش اوّل به نگاه مقدماتی عمومی پرداخته و در بخش دوم به نگاه الهیاتی خواهیم پرداخت. عناصر اساسی شکل دهنده‌ی معنویّت در بخش اوّل عبارتند از: الف) «خدای پدر»: خدای قادر و خالق جهان و جهانیان؛ ب) «عیسی مسیح»: کلمه‌ی متجسّد خداوند و منجی مصلوب که برخاست و همه در انتظار اویند؛ ج) «روح القدس»: منبع حیاتبخش یا تمام مقدّسات و تطهیر کننده‌ها؛ د) «کلیسا»: مشارکتی مقدّس در امور قدسی؛ ه) «پیروزی نهایی در زندگی جاودان».

واژه‌های کلیدی

- 1-Systematic Theology.
- 2-Historical Theology.
- 3-Apologetic Theology.
- 4-Practical Theology.
- 5-Biblical Theology.

معنویت، مسیح، مسیحیت، روح القدس، کلیسا.

مقدمه

اصل واژه‌ی معنویت از واژه‌ی لاتین "اس پی ری چو آلی تاس"^۱ اخذ شده است؛ که در حقیقت از واژه‌ی یونانی "پ نوما"^۲ به معنای "روح" و شکل صفتی آن "پ نوماتیکوس"^۳ به معنای "روحانی" گرفته شده است. اوّلین بار در نامه‌های پولس رسول می‌توان واژه‌ی "اس پیریت"^۴ و "اس پی ری چو آل"^۵ را یافت.

غالباً تصوّر می‌کنند واژه‌ی "اس پی ری چو آل" در مقابل "فیزیکال"^۶ یا "متریال"^۷ است، ولی در حقیقت، معنویت به معنای "هر چیزی که در تضاد با روحانیت الهی است"، قرار می‌گیرد.

البته معانی و تفاسیر مختلفی از معنویت شده است که در زیر به برخی از آنها پرداخته خواهد شد.

معنویت مسیحی،^۸ حضور و زندگی در مقابل خداوند و در میان جهان مخلوق است. معنویت مسیحی، نیایش، عبادت و زندگی در مسیح

۱-Spiritualitas.

۲-Pneuma.

۳-Pneumatikos.

۴-Spirit.

۵-Spiritual.

۶-Physical.

۷-Material.

۸-Christian Spirituality.

است. معنویت، روح انسانی است که به روح القدس متمسک می‌شود، توسط او حمایت و پشتیبانی می‌شود و عاقبت توسط او تغییر می‌یابد. معنویت، تلاشی برای یکی شدن با مسیح است که به عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند، به انسان عطا می‌شود. معنویت، انتظار فرا رسیدن حکومت و سلطه‌ی پروردگار و نجاتی است که انسان در پی آن است.

بنابراین، معنویت مسیحی را می‌توان در پنج مسأله که کنار هم قرار می‌گیرند و یکدیگر را کامل می‌کنند، جستجو کرد:

۱. خدای پدر: خدای قادر و خالق جهان و جهانیان؛^۱

۲. عیسی مسیح: کلمه‌ی متجسد خداوند و منجی مصلوب^۲ که

برخاست و همه در انتظار اویند؛^۳

۱-God, the Father, the Almighty, universal Creator.

۲- مسیحیان بر این عقیده هستند که عیسی مسیح بر روی صلیب به شهادت رسید. از این رو، بر اساس اعتقاد آنان، به یاد آوردن یاد و خاطره‌ی آن واقعه‌ی غم‌انگیز و ارتباط برقرار کردن با مسیح مصلوب، به انسان مؤمن مسیحی معنویت می‌بخشد. ما مسلمانان معتقدیم که حضرت عیسی مسیح، در زمان حیات خویش نیز بارها به مسأله‌ی صلیب شهادت اشاره کرده بود، و این نه بدان معناست که او بر روی صلیب به شهادت رسیده است، بلکه نشانگر آمادگی او برای شهادت است؛ آنچنان که تمام انبیای الهی آماده‌ی فداکردن جان خود در راه رضای خدا بودند.

عیسی مسیح به نقل از متی می‌گوید: "اگر نخواهید صلیب خود را بردارید و از من پیروی کنید، لایق من نمی‌باشید." [متی، ۱۰: ۳۸].

همچنین مسیح به نقل از مرقس می‌گوید: "اگر کسی از شما بخواهد پیرو من باشد، باید از آرزوها و آسایش خود چشم‌پوشد و صلیب خود را بردارد و مرا دنبال کند. هر که به خاطر من و به خاطر پیام نجات بخش انجیل حاضر باشد جانش را فدا کند، آن را نجات خواهد داد، ولی هر که تلاش کند جانش را حفظ نماید، آن را از دست خواهد داد." [مرقس، ۸: ۳۴-۳۵].

لوقا نیز از عیسی مسیح این‌گونه بیان می‌کند: "هر که می‌خواهد پیرو من باشد، باید مرا از پدر و مادر، زن و فرزند، برادر و خواهر و حتی از جان خود نیز بیشتر دوست بدارد. هر که صلیب خود را بردارد و به دنبال من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من باشد." [لوقا، ۱۴: ۲۵ - ۲۷].

۳-Jesus Christ, the incarnate word, the crucified Savoir, the risen and expected Lord.

۳. روح القدس، منبع حیاتبخش یا تمام مقدّسات و تطهیرکننده‌ها؛^۱

۴. کلیسا: مشارکتی مقدّس در امور قدسی؛^۲

۵. پیروزی نهایی در زندگی جاودان.^۳

آنچه در بدو امر در رابطه با معنویت مسیحی از ذهن خواننده‌ی گرامی می‌گذرد، ممکن است اظهار معنویت در قالب نگارش نامه و رساله، انجام اعمال نیکو و کارهای روزانه، عبادات، نیایش‌ها، اشعار و سرودهای مذهبی باشد. همچنین ممکن است عده‌ای معنویت را تنها در افراد برجسته و شاخص مسیحی در دوران‌های گذشته و یا عصر حاضر جستجو کنند؛ افرادی چون توماس آکویناس قدیس^۴ و مادر ترزا.^۵ عده‌ای نیز از افراد معنوی، انسان‌های متدین و مؤمن یا انسان‌های متخلّق به اخلاق حمیده و دارای فضایل اخلاقی را قصد می‌کنند.

با توجّه به برداشت‌های مختلف افراد از معنویت، هر یک از مجموعه‌های دینی، طریق و روشی را برگزیده و به تبلیغ و تبیین آن می‌پردازند. اما به راستی، کدام یک از این راه‌ها برای رسیدن به معنویت، بر اساس کتاب مقدّس است؟ و متون مقدّس مسیحی کدام یک از این معیارها، طُرُق و ملاک‌ها را می‌پذیرد؟

1-The Holy Spirit, the vivifying source or all sanctification.

۲-The Church, the faithful company sharing in holy things.

۳-The final triumph of eternal life.

۴-Saint Tomas Aquinas.

۵-Mother Teresa.

آقای جوفری واین رایست،^۱ نگارنده‌ی مقاله‌ای با عنوان "معنویت مسیحی"،^۲ معنویت مسیحی را از دو منظر مورد بررسی و مطالعه قرار داده است:^۳

۱. دیدگاه مقدماتی عمومی؛

۲. دیدگاه الهیاتی.

در مقاله‌ی حاضر تلاش شده است ضمن استفاده از ترجمه‌ی آزاد مقاله‌ای که ذکر آن آمد و بهره‌گیری از دیگر متون معتبر مسیحی و به ویژه کتاب مقدس، در رابطه با دیدگاه اول مطالبی را ذکر نموده و به نقد و بررسی آن پردازیم. بیان دیدگاه دوم و نقد آن نیز، در بخش دوم خواهد آمد. شایان ذکر است که هر دو دیدگاه در قالب مدل پنج‌گانه‌ای که ذکر شد بیان گشته است، تا مقایسه و ارایه‌ی نظر پیرامون آن منطقی‌تر باشد.

دیدگاه مقدماتی عمومی

در دیدگاه اولیه‌ی معنویت، که دیدگاه مقدماتی عمومی است، پنج اصل کلی به ترتیب بیان می‌شود که در زیر توضیح هر یک خواهد آمد.

۱-Geoffrey Wainwright.

2-Christian Spirituality.

3-See The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade, Vol. 3, P: 452.

۱. مخلوقات در مقابل خالق^۱

بر اساس عهد جدید،^۲ اولین دعوتی که از جانب خداوند صورت پذیرفت و اولین وظیفه‌ی مخلوقات، عبادت خداوند است:

"برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است؛ زیرا خدا وجدان‌هایشان را از این حقیقت آگاه ساخته است. انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او پی ببرد، پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می‌ایستد، برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد.

بلی، درست است که مردم این حقایق را می‌دانند، اما هیچ گاه حاضر نیستند به آن اعتراف کنند و خدا را عبادت نمایند و یا حتی برای برکاتی که هر روز عطا می‌کند، او را تشکر گویند. در عوض، درباره‌ی وجود خدا و اراده‌ی او، عقاید احمقانه‌ای ابداع می‌کنند. به همین علت، ذهن نادانشان، تاریک و مغشوش شده است. خود را به دور از خدا، دانا و خردمند می‌پندارند، اما همگی، نادان و بی‌خرد شده‌اند. آن گاه به جای این که خدای بزرگ و ابدی را بپرستند، بهایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان می‌سازند.

بنابراین، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا هر چه می‌خواهند بکنند و در آتش شهوات گناه‌آلود خود بسوزند و با

1-Creatures before Creator.

2- عهد جدید، بخش دوم کتاب مقدس است که مشتمل بر بیست و هفت کتاب می‌باشد، مجموعه‌ای مشتمل بر چهار بخش، در بردارنده‌ی چهار انجیل به روایت متی، لوقا، مرقس و یوحنا، و بخش‌های «اعمال رسولان»، «نامه‌های رسولان» و «مکاشفه» است.

بدن‌های خود، مرتکب گناهان شرم‌آور شوند. ایشان به جای این که به حقیقت وجود خدا ایمان بیاورند، عمداً عقاید باطل را پذیرفته‌اند و مخلوق خدا را به جای خالق که تا ابد مورد ستایش است، می‌پرستند.^۱

همچنین بر اساس کتاب مقدس،^۲ اولین فرمانی که از جانب خداوند باید مورد توجه واقع شود، توجه به سلطه‌ی خداوند، حضور او در همه جا و پرستش خداوند است:

"من خداوند خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچ‌گونه بُتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست مکن. در برابر آنان زانو نزن و آنها را پرستش نکن؛ زیرا من خداوند خدای تو هستم و کسانی را که با من دشمنی کنند، مجازات می‌کنم. این مجازات شامل حال فرزندان آنها تا نسل سوم و چهارم نیز می‌گردد. اما بر کسانی که مرا دوست داشته باشند و دستورات مرا پیروی کنند، تا هزار پشت رحمت می‌کنم."^۳

"عیسی به او گفت: دور شو ای شیطان! کتاب مقدس می‌فرماید: فقط خداوند را پرست و تنها از او اطاعت کن."^۴

خداوند مقتدر، تمام موجودات عالم را خلق کرده است و او خود، احتیاجات آنان را برآورده می‌سازد. او خداوند توانمندی است که

۱- رومیان، ۱: ۱۹-۲۵.

۲- کتاب مقدس مشتمل بر دو بخش عهد قدیم و عهد جدید است و مجموعه‌ی کامل آن، کتاب مقدس مسیحیان به حساب می‌آید. مجموع کتاب‌های عهدین، ۶۶ کتاب است که ۳۹ کتاب آن مربوط به عهد عتیق و ۲۷ کتاب آن مربوط به عهد جدید است.

۳- سفر خروج، ۲۰: ۲-۶.

۴- متی، ۴: ۱۰.

ماهیان دریاها را سیراب می کند و پرندگان آسمان را خوراک می رساند. او همان خداوندی است که تمام موجودات عالم را از رحمت بیکران خویش بی نیاز می کند:

" پس نصیحت من این است که برای خوراک و پوشاک غصّه نخورید. برای همین زندگی و بدنی که دارید شاد باشید. آیا ارزش زندگی و بدن، بیشتر از خوراک و پوشاک نیست؟ به پرندگان نگاه کنید. غصّه ندارند که چه بخورند، نه می کارند و نه درو می کنند، ولی پدر آسمانی شما، خوراک آسمانی آنها را فراهم می سازد. آیا شما برای خدا خیلی بیشتر از این پرندگان ارزش ندارید؟ آیا غصّه خوردن می تواند یک لحظه عمرتان را طولانی تر کند؟

چرا برای لباس و پوشاک غصّه می خورید؟ به گل های سوسن که در صحرا هستند، نگاه کنید. آنها برای لباس غصّه نمی خورند. با این حال، به شما می گویم که سلیمان هم با تمام شکوه و ثروت خود، هرگز لباسی به زیبایی این گل های صحرائی نپوشید. پس اگر خدا در فکر گل هایی است که امروز هستند و فردا از بین می روند، چقدر بیشتر در فکر شماسست، ای کم ایمانان!"^۱

آیات این چنینی کتاب مقدّس، دلالت بر آفرینش تمام موجودات توسط خالق عالم و مراقبت و محافظت آنان توسط خداوند می نمایند و این همان ارتباط خالق و مخلوق است که در کتاب مقدّس به آن اشاره شده است. مسیحیان معتقدند که این

ارتباط، گونه‌ای از معنویت است که در این شکل خود را نشان می‌دهد.

۲. مسیح واسطه‌ی فیض^۱

عیسی مسیح پیام خداوند را به مردم رساند تا آنان را به سوی خداوند بالا برد. او واسطه‌ای بود که با قالب انسانی پسر خدا^۲ بر زمین هبوط

۱-Christ the Mediator.

۲-Son of God.

۳- عیسی مسیح نزد مسیحیان جایگاهی الهی دارد، ولی آیات بسیاری در کتاب مقدس نیز وجود دارند که دلالت بر طبیعت انسانی عیسی می‌نمایند، از آن جمله موارد زیر است:

۱- «او دارای تبارشناسی انسانی است» [متی، ۱:۱]

۲- توگد و طفولیت او:

«مریم در رحم، او را حمل می‌کند» [متی، ۱:۲۰]؛ «توگد انسانی او» [لوقا، ۱:۲]؛ «در روز هشتم ختنه می‌شود» [لوقا، ۲:۲]؛ «در کودکی به دیدار معبد می‌رود» [لوقا، ۴۱:۲]؛ «مانند دیگران رشد کرد» [لوقا، ۲:۵۲].

۳- درد و رنج، مرگ و مراسم تدفین:

«عرق‌های شبیه به خون او در باغ بر زمین می‌چکد» [لوقا، ۲۲:۴۴]؛ «مرگ بر صلیب» [یوحنا، ۱۹:۳۳]؛ «خون و آب از پهلوئی او بر زمین آمد» [یوحنا، ۱۹:۳۴]؛ «بدن از صلیب پایین آورده شد» [لوقا، ۲۳:۵۳]؛ «جسد مهیای خاکسپاری شد و در قبر گذاشته شد» [یوحنا، ۱۹:۳۹]؛ «از کفن برای تکفین عیسی استفاده شد» [یوحنا ۲۰:۶].

۴- رستاخیز و صعود عیسی:

«رستاخیز او در یکشنبه عید پاک» [متی، ۲۸:۱]؛ «ظهورهای (تجلی‌های) او در طول چهل روز» [اعمال رسولان، ۱:۲۰]؛ «بدن او هنوز هم بدن انسانی است» [لوقا، ۲۴:۴]؛ «صعود او به آسمان» [لوقا، ۲۴:۵۰].

۵- او دارای ویژگی‌های انسانی بود:

«می‌توان او را لمس کرد» [مرقس، ۵:۲۷]؛ «گرسنه شد» [متی، ۲۱:۱۸]؛ «تشنه شد» [یوحنا، ۱۹:۲۸]؛ «خسته شد» [یوحنا، ۴:۶]؛ «نیازمند خواب می‌شد» [مرقس ۴: ۳۸]؛ «مهربانی و دلسوزی به مردم نشان می‌داد» [متی ۳۹:۹]؛ «خشم و غضب از خود نشان می‌داد» [یوحنا ۲:۱۳]؛ «او گریست» [لوقا ۱۹:۴۱]

۶- به طبیعت انسانی او به طور مشخص اشاره شده است:

«او انسان شد» [یوحنا، ۱:۱۴]؛ «او در انسانیت با ما شریک شد» [عبرانیان، ۲:۱۴]؛ «او در همه چیز جز گناه شبیه ماست» [عبرانیان، ۲:۱۷]؛ «ما باید در نظر داشته باشیم که عیسی با قالب جسم انسانی آمد». [نامه‌ی دوم یوحنا، ۷].

کرد تا خدا را در روی زمین به همگان نشان دهد و مردمی را که با خداوند آشنا نیستند با او آشنا سازد.

مردم نیز اگر بخواهند به خدا نزدیک شوند، باید در تمام افعال و رفتار خود تابع مسیح، فرزند خدا باشند؛ آن چنان که عیسی مسیح نیز خطاب به شاگردان خود و دیگر مردم گفت:

"اگر کسی از شما بخواهد پیرو من باشد، باید از آرزوها و آسایش خود چشم پوشد و صلیب خود را بردوش گیرد و مراد دنبال کند."^۱

مسیح با شستن پای شاگردانش، به آنان درس فروتنی و تواضع داد و سپس گفت:

"حال، اگر من که خداوند و استاد شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید. من به شما سرمشقی دادم تا شما نیز همین طور رفتار کنید."^۲

او اصول تربیتی و اخلاقی را به مردم آموخت. او درس محبت و دوست داشتن را نیز به شاگردانش آموخت و از آنان خواست که آنان نیز به یکدیگر محبت کنند و یکدیگر را دوست بدارند:

"پس حال، دستوری تازه به شما می‌دهم؛ یکدیگر را دوست بدارید، همان گونه که من شما را دوست می‌دارم."^۳

۱- مرقس، ۳۴:۸.

۲- یوحنا، ۱۳:۱۴-۱۵.

۳- یوحنا، ۱۳:۳۴.

مسیح، نه تنها همگان را به پیروی از خود، که در موارد بسیاری مردم و شاگردانش را به پیروی از خداوند راهنمایی می‌کند و از آنان می‌خواهد که در تحمّل مشکلات و سختی‌ها استوار باشند:

"همچنان که یک کودک عزیز از رفتار پدرش تقلید می‌کند، شما

نیز در هر امری از خدا سرمشق بگیرید."^۱

از این رو، بر اساس اعتقاد مسیحیان، اگر کسی بخواهد پیرو راستین مسیح باشد، نه تنها در شیوه‌ی زندگی خود و اعمال و رفتارش باید پیرو عیسی مسیح باشد، بلکه حتّی باید در مرگ مسیح بر روی صلیب و همچنین برخاستن مجدد او،^۲ از مسیح تبعیت کند، اما چگونه انسان می‌تواند در مرگ و رستاخیز مسیح او را پیروی کند؟

۱- افسسیان، ۵: ۱، ر.ک: فیلیپیان، ۲ و اوّل پطرس ۲: ۲۱

۲- مسیحیان معتقد به مرگ مسیح بر روی صلیب هستند و همچنین اعتقاد دارند که مسیح برای نجات انسان‌ها و بخشش گناهان آنان بر روی صلیب رفت و پس از مرگ، رستاخیز خود را در این عالم داشت، اما نگاه قرآن با اعتقاد مسیحیان و بسیاری از مکتوبات کتاب مقدّس، کاملاً ناسازگار است.

آنچه در پی می‌آید نگاه قرآن به مسیح است:

خداوند خلقت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را همچون جدّ بزرگ و بزرگوارش حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ دانسته [آل عمران / ۵۹] و او را روح الله [نساء / ۱۷۱]، کلمه‌ی خداوند که به مریم القا شد [آل عمران / ۴۵] و نام او را مسیح، عیسی بن مریم بر می‌شمرد [آل عمران / ۴۵]. نام عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در زمره‌ی دیگر انبیا و رسولان الهی [نساء / ۱۷۱ و صف / ۶] ذکر شده [انعام / ۸۵] که خداوند از آنان پیمان گرفت [احزاب / ۷] که دین الهی را اقامه نمایند [شوری / ۱۳]. عیسی در کودکی در گهواره تکلم می‌کند [مائده / ۱۱۰]. او قول حق است [مریم / ۳۴] که از جانب خداوند با کتاب مقدّس انجیل که هدایت و نور است و تصدیق کننده‌ی تورات و موعظه برای متقین برای هدایت بشر آمد [حدید / ۲۷]. از آنجا که او در زمره‌ی دیگر انبیای الهی قرار دارد [بقره / ۱۳۶]، با تصدیق شریعت موسی [صف / ۶] و بشارت به پیامبری که بعد از او می‌آید و نامش احمد است [صف / ۶] مبعوث به رسالت شد.

خداوند با روح القدس، عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را مورد تأیید خویش قرار داده [بقره / ۸۷]، به او کتاب، حکمت، تورات و انجیل را آموزش داده [مائده / ۱۱۰] و او را با بیّنات [زخرف / ۶۳] و معجزاتی چون: سخن

پولس رسول در نامه‌ی خود به مسیحیان روم این مسأله را به خوبی روشن کرده است:

"خوب، اکنون چه باید کرد؟ آیا باید به زندگی گذشته و گناه آلود خود ادامه دهیم تا خدا نیز لطف و بخشش بیشتری به ما نشان دهد؟

هرگز! مگر نمی‌دانید که وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم، جزیی از وجود پاک او شدیم و با مرگ او، طبیعت

گفتن در گهواره، دمیدن در مجسمه‌ی گلی و حرکت پرنده به اذن پرودگار، شفای کور مادرزاد و بیماران به اذن پرودگار، جان بخشیدن به مردگان به اذن پرودگار و نجات او از چنگال ستم بنی‌اسرائیل توسط خداوند به سوی مردم فرستاد [مائده / ۱۱۰]؛ و او را در دنیا و آخرت وجیه، مورد اعتماد و از بندگان مقرر پرودگار قرار داد [آل عمران / ۴۵]. عیسی مسیح همیشه بنده‌ی خدا بود و هیچ‌گاه از عبودیت استنکاف نکرد [نساء / ۱۷۲]. یاران او نیز که به حواریون لقب یافتند، مورد اعتماد عیسی بوده و در سختی‌ها یار و یاور او بودند [صف / ۱۴]. آنان از عیسی برای اطمینان قلبشان تقاضای مائده‌ی آسمانی کردند [مائده / ۱۱۲] و این درخواست توسط عیسی از خداوند صورت پذیرفت [مائده / ۱۱۴] و خداوند نیز دعای عیسی را بی‌پاسخ نگذاشته و مائده را به سوی آنان فرو فرستاده به شرط این که آنان در ایمان خویش ثابت قدم باقی بمانند [مائده / ۱۱۵].

خداوند، مسیحیان را نزدیک‌ترین افراد به مسلمانان می‌داند [مائده / ۸۲]، ولی در برخی آیات هم بدان جهت که آنان در دین غلو کرده [نساء / ۱۷۱]، برای خداوند فرزند قابل شده [مائده / ۷۲]، خود و مسیح [توبه / ۲۹] را فرزندان خدا دانسته [مائده / ۱۷]، مسیح و مادرش را عبادت می‌کنند و عیسی را مصلوب و مقتول می‌خوانند، آنان را مورد عتاب و نکوهش قرار می‌دهد [مائده / ۷۲] و لبه‌ی تیز نکوهش نیز متوجّه آجبار، رُهبانان و رهبران مسیحیت است [توبه / ۳۰]. این افراد، نه تنها مورد نکوهش خداوندند، بلکه عیسی نیز آنها را مورد لعنت قرار می‌دهد [مائده / ۷۸]. خداوند در قرآن جایگاه ویژه‌ای برای انبیا قابل است و آنان را سفیران و رُسل خویش می‌خواند [انعام / ۸۵]. انبیای الهی، جملگی، وظیفه‌ی دعوت خلق به سوی خدا را بر عهده دارند [احزاب / ۷]. از این رو، آن‌گاه که عیسی از سخنان مردم، استشمام کفر و عدم اقرار به ایمان کرد، از آنان پرسید: «مَنْ أَنْصَارِیَ اِلیَّ اللّٰهِ» و آنان در پاسخ، خود را یاران خدا خواندند [صف / ۱۴].

گناه آلود ما نیز مُرد؟ پس، حال که قدرت گناه در ما نابود شده است، چگونه می‌توانیم باز به زندگی گناه آلود سابق خود ادامه دهیم؟ هنگامی که مسیح مُرد، طبیعت کهنه‌ی ما هم که گناه را دوست می‌داشت، با او در آب تعمید دفن شد. و زمانی که خدای پدر با قدرت پر جلال خود، مسیح را به زندگی بازگرداند، ما نیز در آن زندگی تازه و عالی، شریک شدیم.^۱

مسیحیان برای سلطه‌ی خداوند دست به دعا و نیایش بر می‌دارند، آنان برای نجات و رهایی خویش نیز پروردگار را می‌ستایند. مسیحیان با عیسی مسیح هم‌نوا شده و در برابر پروردگار، چون او، سرود نیایش را زمزمه می‌کنند؛ همان سرودی که مسیح به آنان تعلیم فرموده بود.^۲

بنابراین، مسیحیان با توسّل و تمسّک جستن به مسیح، ارتباط معنوی پیدا می‌کنند؛ چرا که مسیح به عنوان یکی از اقانیم سه‌گانه،^۳ جایگاه ویژه‌ای در معنویت مسیحی دارد.

۳. روح القدس تطهیر کننده^۴

چه چیز باعث پیوند دادن مردم با خداوند می‌شود؟ هنگامی که مسیح به عنوان فرزند خدا، پیام رحمت و محبّت خداوند را به مردم می‌رساند، چه چیز باعث می‌شود تا مردم به گناهان خویش اعتراف کرده و به سوی خداوند باز گردند؟

۱- رومیان، ۶؛ ر.ک: کولسیان، ۲: ۱۲ و ۳؛ یوحنا، ۱۲: ۲۴ و ۵: ۳.

۲- ر.ک: یوحنا، ۱۷.

۳- Three Persons.

۴- The Sanctifying Spirit.

در اینجاست که بر اساس آموزه‌های مسیحی، جایگاه سومین شخص از اقاویم ثلاثه، یعنی روح القدس،^۱ مشخص می‌گردد:

"اما اکنون به کسانی بر می‌خورید که ادعا می‌کنند از جانب روح خدا برایتان پیغامی دارند، چگونه می‌توان دانست که آیا ایشان واقعاً از جانب خدا الهام یافته‌اند؟ یا این که فریبکارند؟

راهش این است: کسی که تحت قدرت روح خدا سخن می‌گوید، هرگز نمی‌تواند عیسی را لعنت کند. هیچ کس نیز نمی‌تواند با تمام وجود عیسی را خداوند بخواند، جز این که روح القدس این حقیقت را بر او آشکار ساخته باشد."^۲

روح القدس نه تنها میان انسان‌ها و خداوند وساطت می‌کند، بلکه به آنان کمک می‌کند تا بتوانند با دعا و نیایش و انجام امور اخلاقی و افعال پسندیده و با ایمان کامل به مسیح، به سوی نجات کامل رهنمون شوند:

"به این وسیله، یعنی به وسیله‌ی ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعاها ایمان یاری می‌دهد؛ زیرا ما حتی نمی‌دانیم چگونه و برای چه دعا کنیم. اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می‌کند که با کلمات قابل توصیف نیست. و خدا که از دل ما با خبر است، می‌داند که روح القدس چه می‌گوید؛ زیرا آنچه که او به جای ما دعا می‌کند، طبق خواست خداست."^۳

۱-Holy Spirit.

۲-اول قرنتیان، ۳:۱۲.

۳- رومیان، ۸: ۲۶-۲۷.

اگر به واسطه‌ی روح القدس، نجات شامل حال یک مسیحی شود، آن گاه مقام او از مرتبه‌ی بنده‌ای که با هول و هراس خدا را پرستش می‌کند، بسیار فراتر رفته و به مقام فرزندِ خدا نایل می‌شود، آنچنان که مسیح نیز در عالی‌ترین مقام، یعنی فرزندِ خدا قرار داشت:^۱

"پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم؛ فرزندانِی که به عضویت خانواده‌ی خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را پدر خود می‌خوانند؛ زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می‌گوید که ما فرزندان خدا هستیم."^۲

۱- ما مسلمانان معتقدیم که مقام عبودیت، بالاترین و عالی‌ترین مقام نزد خداوند است؛ چراکه فلسفه‌ی خلقت را عبودیت می‌دانیم: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ «و ما جن و انس را مگر برای عبادت نیافریدیم» [ذاریات/ ۵۶]. مراد از عبودیت، مقامی است که در آن مقام، اطاعت و عبادت پروردگار، از روی ترس، دلهره و اضطراب نباشد؛ اطمینان قلبی بر انسان مومن، سیطره انداخته و تنها به حضرت حق می‌اندیشد. او بر اثر بندگی و عبودیت به این مقام رسیده است.

بر اساس گفته‌ی پولس، عالی‌ترین مقام برای انسان، فرزندِی خداست که عیسی مسیح به آن مقام نایل آمد. از این رو، او می‌گوید: «چون بردگان که از ترس ارباب خود، او را اطاعت می‌کنند، شما خدا را عبادت نکنید.» بنابراین، شاید بتوان گفت که آنچه در تعابیر اسلامی و مسیحی، مشترک است و باعث کمال انسان می‌شود، چیزی جز عبادت و اطاعت با نشاط معنوی، نیست؛ در اسلام، این مقام با عبودیت، شناخته می‌شود و در مسیحیت با فرزندِی خداوند. به همین جهت است که در اسلام، حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عالی‌ترین مقام، یعنی عبودیت نایل آمد و مسیح نیز بر اساس اعتقاد مسیحیان به عالی‌ترین مقام، یعنی فرزند خواندگی خدا نایل آمد.

۲- رومیان، ۸: ۱۶-۱۵ و ر.ک: غلاطیان، ۴: ۶.

بر اساس اعتقاد پولس رسول،^۱ سه هدیه‌ی ماندگار روح القدس، ایمان، امید و محبت است:

"پس سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت، اما از همه‌ی اینها بزرگ‌تر، محبت است."^۲

هنگامی که عشق الهی سراسر وجود انسان مؤمن مسیحی را فرا گرفت و در قلب او مستقر شد، ثمرات این عشق در زندگی انسان، خود را نمایان می‌کند.

۱- پولس یکی از یهودیان مخالف عیسی مسیح بود که در زمان حضور مسیح، هیچ‌گاه به او نگریید و تازه مسیحیان را مورد شکنجه و آزار بسیار قرار داد. او حدود ده سال پس از عیسی مسیح به مسیحیت پیوست. از این رو، مسیح‌شناسی و الهیاتی که او ارایه می‌کند با مسیح‌شناسی که توسط اناجیل همنوا ارایه می‌شود، کاملاً متفاوت است. سه انجیل مرقس، لوقا و متی را که دارای محتوایی بسیار نزدیک هستند و نجات انسان را در گرو عمل به آموزه‌های عهد عتیق می‌شمرند، "اناجیل همنوا یا مشابه" گویند. ولی انجیل یوحنا، نامه‌های او و نامه‌های پولس را که دارای محتوایی جدا از آموزه‌های مسیح می‌باشند و به جای تأکید بیشتر بر انجام عمل، به محبت و ایمان بدون عمل برای نجات انسان اشاره می‌کنند، "اناجیل غیر همنوا" گویند.

عیسی سه شأن ولایت تکوینی، زعامت دینی و رهبری اجتماعی را به پطرس حواری داده است. و عیسی، پطرس را به عنوان رهبر یهودیان و غیر یهودیان انتخاب کرده است، اما پولس که از حواریون هم نمی‌باشد، معتقد است که بشارت یهودیان به عهده‌ی پطرس است و بشارت غیر یهودیان به عهده‌ی پولس می‌باشد.

به عقیده‌ی نویسندگی کتاب "مسیحیت و بدعت‌ها" این جدایی را که پولس عامل اصلی آن است، می‌توان اولین شقاق و جدایی میان مسیحیان در خط سیر سیاسی-اجتماعی برشمرد. از این رو، گروه مسیحیان یهودی الاصل که پیروان پطرس و حواریون بودند، "راست کیش" و گروه دیگر که رهبری آن با پولس بود، "بدعت‌گذار" نامیده می‌شوند. گروه نخست پس از سال هفتاد میلادی، کم‌اهمیت گردیدند و آخرین بازماندگان آنها در قرن چهارم میلادی از بین رفتند. پس، آنچه از مسیحیت باقی مانده، از گروه دوم، یعنی گروه طرفداران اندیشه‌های پولس است [ر.ک: جوان، ا. گرییدی، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ص ۲۰].

۲- اول قرن‌تین، ۱۳:۱۳.

عشق،^۱ شادی و نشاط معنوی،^۲ صلح و آرامش،^۳ صبر،^۴ مهربانی،^۵ احسان،^۶ صداقت،^۷ نجابت^۸ و کنترل نفس،^۹ جملگی از ثمرات عشق به خداوند است که از طریق روح القدس در شخص مومن ایجاد شده و زندگی او را ثمربخش نموده و او را شبیه عیسی مسیح می‌نماید:

"اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه‌ای روشن و شفاف، جلال خداوند را منعکس می‌کنیم و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می‌دهد، با جلالی روزافزون، به تدریج، شبیه او می‌شویم."^{۱۰}

اگر روح القدس در زندگی یک فرد مسیحی راه یابد، اشعار، سرودها و نغمه‌های الهی را بر زبانش جاری می‌کند و وجود او مملو از روح القدس می‌شود:

"از مستی پرهیزید؛ زیرا مستی انسان را به راه‌های زشت می‌کشاند، در عوض، از روح خدا پر شوید، با یکدیگر درباره‌ی

۱-Love.

۲-Joy.

۳-Peace.

۴-Patience.

۵-Kindness.

۶-Goodness.

۷-Faithfulness.

۸-Gentleness.

۹-Self control.

خدا گفتگو کنید و سروده‌های پرستشی و مزامیر برای یکدیگر
بخوانید و در دل خود برای خداوند، آهنگ بسازید و
بسرایید.^۱

۴. آیین عشای ربّانی قدّيسان^۲

هر مسیحی پس از ایمان به خدای خالق، عیسی مسیح و روح القدس،
مورد قبول و رضایت خداوند واقع می‌شود و این ایمان، او را تا مقام
قدّسی^۳ بالا می‌برد؛ چرا که به راستی او مورد تکریم خداوند واقع شده
و مقدّس می‌شود:

"بعضی از شما در گذشته، چنین زندگی گناه‌آلودی داشتید، امّا
اکنون گناهانتان شسته شده و شما وقف خدا و مورد پسند او شده‌اید، و
این در اثر کار خداوند ما، عیسی، و قدرت روح القدس میسر شده
است."^۴

چنین افرادی نه تنها در زمان حیات خود منشأ فیض هستند،
بلکه پس از مرگشان نیز یاد و خاطره‌ی آنان در ذهن‌ها
باقی خواهد ماند و همگان به شفاعت و وساطت آنان
نیازمندند.

در آیین عشای ربّانی، مریم مقدّس، مادر عیسی مسیح،
جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که در مراسم کاتولیک غرب، با
گفتن اذکار مقدّسی که با تسبیح صورت می‌گیرد، ارتباطی

۱- افسسیان ۵: ۱۸-۱۹.

۲-The Communion of the Saints.

۳-Saint.

۴- اوّل قرنیتان، ۶: ۱۱؛ ر.ک: رومیان، ۱: ۷ و اوّل پطرس، ۲: ۴-۱۰.

میان مریم مقدّس و فرزندش عیسی مسیح برقرار می‌گردد. این ارتباط در سه دسته از اسرار پنج‌گانه‌ی زیر تقسیم‌بندی می‌شود.

اسرار پنج‌گانه‌ی مسرّت بخش:^۱

۱. عید تبشیر، روز بیست و پنجم مارس، که مسیحیان آن را عید می‌گیرند؛

۲. عیادت و دیدار مسیحیان؛^۲

۳. تولّد دوباره‌ی مسیح؛^۴

۴. معرفّی مسیح؛^۵

۵. یافتن مسیح در پرستشگاه.^۶

اسرار پنج‌گانه‌ی اندوهناک:^۷

۱. عذاب‌ها و مصیبت‌هایی که مسیح متحمّل شد؛^۸

۲. تازیانه بر مسیح؛^۹

۳. تاج خار بر سر مسیح نهادن؛^{۱۰}

۴. حمل صلیب شهادت؛^{۱۱}

۱-The five joyful mysteries.

۲-The Annunciation.

۳-The visitation.

۴-The nativity.

۵-The presentation.

۶-Finding of Christ in the Temple.

۷-The five sorrowful mysteries.

۸-The Agony.

۹-The scourging.

۱۰-The crowning with thorns.

۱۱-The carrying of the cross.

۵. تصلیب.^۱

اسرار پنج گانه‌ی شکوهمند:^۲

۱. رستاخیز مسیح؛^۳

۲. صعود مسیح؛^۴

۳. عید پنجاهه (عید گلریزان)؛^۵

۴. صعود مریم به آسمان؛^۶

۵. تاج گذاری.^۷

قدیسان و مؤمنان غالباً از طرفداران این اعتقاد بوده اند، ولی پروتستان‌ها به جهت جلوگیری از برخی خرافات، خود را از بسیاری از اعتقادات قدیسان میراً می‌شمردند.

۵. زندگی در سلطنت الهی^۸

مسیحیان بر این باورند که زندگی کنونی، با هدف نهایی خداوند احاطه شده است. آنان با انتظار چهار شیء جاودان (مرگ، قیامت، بهشت و دوزخ) زندگی می‌کنند.

امید و آرزوی آنان در توکل به خداوند و بازخريد گناهان و نجات آنان توسط عیسی مسیح است. مسیحیان بر رحمت الهی تکیه دارند و البته این رحمت از طریق رستاخیز عیسی به آنان می‌رسد. آنان معتقدند

۱-Crucifixion.

۲-The five glorious mysteries.

۳-The Resurrection.

۴-The Ascension.

۵-Pentecost.

۶-Mary's Assumption.

۷-Coronation.

۸-Life in the Divine Kingdom.

که انسان‌ها به واسطه‌ی کارهایی که توسط جسم خود انجام داده‌اند، خوب یا بد، در مقابل مسیح ایستاده، مورد تشویق یا تنبیه واقع می‌شوند:

"زیرا همه‌ی ما در حضور مسیح خواهیم ایستاد تا محاکمه شویم، هر یک از ما، نتیجه‌ی اعمالی را که در این زندگی انجام داده است، خواهد دید؛ چه نیک، چه بد."^۱

مشارکت در سلطنت الهی و زندگی در آن به معنای عبادت کردن، روزه گرفتن، ملاقات حضوری خداوند و انجام تمام اموری است که باعث نشان دادن عظمت، جلال و شکوه پروردگار است.

این نگاه نه تنها چشم انداز شایسته‌ای از آینده را برای ما ترسیم می‌کند، بلکه به انسان امید می‌بخشد تا مشکلات و نابسامانی‌های این دنیا را نیز به راحتی پشت سرگذارد. دیگر برای او هیچ مسأله‌ی بغرنج و غیر قابل حلّی وجود ندارد؛ زیرا در همه چیز، قدرت و عظمت خداوند را مشاهده می‌کند. در این هنگام است که دیگر در زندگی او تاریکی و ابهام وجود ندارد و نور خدا، او را فرا می‌گیرد:

"مسأله‌ی دیگری که ما را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند، این است که وقت به سرعت می‌گذرد و عمر ما به پایان می‌رسد. پس بیدار شوید؛ زیرا الآن وقت بازگشت خداوند نزدیک‌تر است از آن زمانی که ایمان آوردیم. شب به پایان خود رسیده و روز نزدیک است. بنابراین، اعمال گناه‌آلود تاریکی را کنار زده، در نور خدا زندگی پاک و مقدّسی را در پیش گیرید؛ زیرا این وظیفه‌ی ماست

که در نور زندگی کنیم. آنچه می کنید با شایستگی باشد...
تمام وجودتان از آن مسیح باشد، به دنبال هوس های جسم
نروید.^{۱۱}

نتیجه

در بخش پایانی مقاله، بیان چند نکته به عنوان نتیجه گیری لازم به نظر
می آید.

اول: اصل معنویت، اصلی است که در ادیان مختلف به آن پرداخته
شده و در مسیحیت، به ویژه در سال های اخیر، توجه بیشتری به آن
مبذول شده است؛ چرا که در زیست گاه غالب مسیحیان دنیا در صد سال
اخیر، فرقه ها و نحله های بسیاری پا به عرصه ی حیات گذاشته اند و
مسیحیت برای دفاع از آموزه های خویش، سعی بر شناخت و بیان
معنویت مسیحی نموده است.

دوم: همان گونه که مشاهده گردید، کلیه مطالعاتی که در حوزه ی
الهیات انجیلی صورت می پذیرد، مبتنی بر کتاب مقدس است. از
این رو، اثبات حجیت کتاب مقدس اولین مسأله برای آغاز بحث است.
بنابر این، اگر حجیت کتاب مقدس مخدوش گردد- که هیچ دلیلی هم
بر اثبات آن، غیر از کلیسا وجود ندارد و کلیسا خود نیز، حجیت خود را
از کتاب مقدس گرفته است و این مسأله بر دوری آشکار دلالت دارد و
طبق نظر تمام منطقیون، دور مصرح، باطل و بدون اعتبار است- تمام
مباحثی که ذکر آن گذشت، خالی از اعتبار و حجیت تلقی شده و دیگر
نمی توان به آنها استناد کرد.

سوم: تقریباً بسیاری از مباحثی که ذکر آن گذشت، بر تَصْلِیبِ عِیْسَى مَسِیح و کشته شدن او استوار است. حال، اگر ثابت شود که مَسِیح زنده است و شخص دیگری که شبیه مَسِیح بوده است، به قتل رسیده - آنچنان که مسلمانان بر این عقیده‌اند - دیگر وجهی برای استدلال به مباحثی که بیان شد باقی نمی‌ماند.

چهارم: آخرین نکته این که، با وجود اشکالات بسیاری که بر مَسِیحِیَّت وارد است و انحرافات، بدعت‌ها و اعوجاجاتی که در این دین وارد شده است، هنوز هم نیاز بسیاری به مسأله‌ی معنویّت احساس می‌شود، از این‌رو، اندیشمندان معاصر مَسِیحی در صدد تعریف‌های درون و برون دینی بسیاری در این حوزه برآمده و راهکارهای متعددی را نیز ارائه نموده‌اند، که برخی از آنها به صورت مشترک در ادیان دیگر نیز وجود دارد. بنابراین، شناخت این راهکارها می‌تواند گامی ارزنده در راستای تفاهم، آشنایی با مشترکات، و در نهایت، استفاده از راهکارهای مناسب و آزموده شده در دیگر ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد.

ادامه دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. ترجمه‌ی تفسیری کتاب مقدّس، انگلستان، ۱۹۹۵.م.
۲. کلام الله مجید، ترجمه: الهی قمشه‌ای، مهدی.
۳. گرییدی، جوان، اُ، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی طه، ۱۳۷۷. ش.
۴. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: حکمت، علی اصغر، تهران: انتشارات آموزش اسلامی، ۱۳۷۰. ش.
۵. هیوم، رابرت ای، ادیان زنده‌ی جهان، ترجمه: گواهی، عبدالرحیم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳. ش.

ب) انگلیسی

1. Eliade, Mircea ,1987,*The Encyclopedia of Religion*, New York: Macmillan Publishing Company.
2. Fitzmyer, Joseph, A. 1998,*Pauline Theology*, Edinburgh and Philadelphia.
3. Yves, Locoste, Jean. ۲۰۰۵ , *Christian Theology*, New York: Rutledge.